

حضرت اقدس احدیت عزّ شأنه است و علی الدوام مکنون خاطر مقدس آن پادشاه رؤف عطف بوده چنانچه دستخط آفتاب نقط بر طبق آن شرف صدور یافته و برتو عکسش چون آفتاب جهان تاب بهر برزن و روزن تابیده اشاعه شود خائنین دولت ابد مدت این عنوان عرض صحیح شایسته را بلباس ناشایسته به حضور مقدس وانمود داده اند و خاطر مبارک اعلی حضرت اقدس را رنجبه کردند علماء اعلام و سایر رعایا را که تمام ناموس و عرض پادشاه اند یاغی و طاعنی قلم داده و اکابر علماء ملت را در ساحت یاک بفساد و سرکشی نسبت داده و رفته رفته کار را بجائی رساندند که جمعی از آل رسول و دوستان علی بن ابیطالب را بگلوله کشتند و در مسجد که خانه یردان و محل امن و امان عباد الله است علماء اعلام و وزراری رسول را محاصره نموده و آب و نان بر روی آنها بستند و قرآن مجید را که شفیع عرض خود نموده بودند نشانه تیر کردند و علماء اعلام و ائمه جماعت را بتهمت از شهر بیرون و از وطن آواره نمودند محض رفع شبهه کاری هائیکه خائنین دولت در ساحت ظاهره اعلی حضرت اقدس شاهنشاه نموده اند عرضه میداریم که استدعای رعایا که نوامیس و عیال پادشاه اند آنست که مجلس معدلتی که حاوی بر اجراء احکام قانون محمدی (ص) و مشتمل است بر حفظ نفوس و اموال و اعراض و ناموس و دماء مسلمین و امنیت دوستان محمد و آل محمد (ص) اقامه شود که اجزاء آن اجراء احکام محمدی و فرمایشات پادشاه که تمام مأخوذ از قانون احمدی است دانایان بطریقه شرع احمدی و امنای پادشاه که در درستی و راستی علی بن یقین وقت و عقلای و الامتاء که تمام دولتخواه محمدی مذهب و علوی مشرب خدا جو هستند باشند تا احکام نازله از ساحت قدس و مقام احدیت حضرت پروردگار و قوانین وارده در قرآن را که تمام باره تن و فلذه کبد رسول الله هست که خون مظلوم ایی عبد الله الحسین بجهت ابقاء آن احکام ریخته شده است اجراء بدارند تا باراده نافذه و مشیت ماضیه ذات مقدس پادشاه این قانون احمدی و زاکون محمدی (ص) که سر بود تمام قوانین است الیوم مندرس و از میان رفته است جوانی از سر گیرد و چشم اسلام و اهالی محمد پرستان روشن و این کلخن ایران گلشن در گلشن شود و مایه رشک سایر دول گردد و قلب همایون که مظهر اتم تام ذوالجلال حضرت قائم آل محمد از ملال و کلال است بیرون آید

باقی ایام دولت و قدرت و سلطنت مستدام باد .

سربازها که در کوچه و بازار چاتمه زده بودند و مردم را اذیت میکردند باردوی خارج شهر رفتند يك نفر سرباز در شهر دیده نمیشد جز عده سرباز که در خیابان علاءالدوله گذاردند برای محافظت مردم که مبادا یکی از دیوانیان بیکی از متحصنین بی احترامی کند مردم با این حال که دیده شد بصرف سفارتخانه میرفتند یا برای الحاق بمتحصنین یا برای تماشا و سیاحت .

امروز در اول صبح آقایان وارد علی آباد شدند روز را بواسطه گرما و ملحق شدن پیاده ها در علی آباد توقف نمودند .

روزشنبه ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۲۴ - امروز مهاجرین تا عصر در علی آباد که دو منزلی قم است توقف نمودند طرف عصر حرکت و چند ساعت از شب گذشته وارد کوشک نصره شدند .

امروز بازارها بسته شد تجار و طلاب و بزازها و صرافها عموماً وارد سفارتخانه شدند و با نهایت نظم و معقولیت رفتار میکنند اجزاء سفارتخانه نهایت حسن سلوک و پذیرائی را ظاهر میسازند میتوان گفت سفارتخانه در حکم يك مدرسه شده است چه در زیر هر چادر و هر گوشه جمعی دور هم نشسته اند و يك نفر عالم سیاسی از شاگردان مدارس و غیره آنها را تعلیم میدهد یعنی چیزهای تازه بگوش مردم مبخورد که تا کنون احدی جرئت نداشت بر زبان آورد فیلسوف بهبهانی و بعضی از اجزاء انجمن مخفی روزنامه جبل المتین را در دست گرفته بر مردم قرائت مینماید آقاسید رضا کاشی که از منادیان حریت است و آقاسید حسین بروجردی ملقب بمدیر الاسلام و بعضی دیگر در چادرها وارد میشوند قند و چای و غیره توزیع مینمایند کاریهای خوردنی متوالیاً داخل میشود قند و چای و نان و برنج و غیره میآورند جمیع مخارج و لوازم را حاج محمدتقی و برادرش حاج حسن میدهند اگر هم از جایی هم محرمانه بولی برسد جمع بر این دو برادر میشود وزیر مختار انگلیس هنوز وارد نشده است ژاندر سفارت هم با ملت همراه است مشهور شد که ژاندر فرشته است نیاوران در قصر صاحبقرانیه که حضور اعلیحضرت مشرف شود و تظلم تجار و مردم را بعرض برساند عین الدوله مانع شد و خودش هم از او پذیرائی نکرد و عذر آورد که شاه مریض است چنانچه عرضی دارید بتوسط وزیر امور خارجه کتباً عرض کنید این شایعات اگر چه دروغ و یا مخالف مرسوم باشد باز عوام باور کرده موجب قوت قلب آنها میگردد بر عده آنها افزوده میشود .

روزنامه ایران که روزنامه رسمی دولتی است مورخه نوزدهم جمادی الاولی امروز از تحت ضبح خارج شد و قانون عدلیه را که درج کردند چند نسخه از آن را بدست بعضی داده آوردند در سفارتخانه و در بین مردم منتشر ساختند ولی هر کس دستش آمد پاره کرد چه عین الدوله پس از آنکه شنید تجار در سفارتخانه متحصن شده اند از عاقبت امر اندیشه نمود فوراً حکم داد نظامنامه برای عدایه نوشته و فرستاد بداره روزنامه ایران و اطلاع و در بین مردم شایع ساختند که عدالتخانه عمیقاً تأسیس خواهد شد نویسنده نظامنامه کویا ممتاز الدوله پسر مکرم السلطنه است که تازه بداره عین الدوله وارد شده است و اعلم از او در دستگاه عین الدوله کسی نیست زیرا که مشارالیه از اشخاص تحصیل کرده زبان فرانسه و ترکی عثمانی را بخوبی تعلیم گرفته و مدتی هم در اسلامبول بوده قوانین عدایه عثمانی را از زبان ترکی

ترجمه نموده و هم بحالات عین الدوله مسبوق و هم مقتضیات زمان را میداند (ممتازالدوله در زمان مشروطیت اول مدتی رئیس مجلس بوده و امروز هم که زمان طبع و تنقید تاریخ بیداری است وزیر عدلیه است شرح حالاتش عمأقرب خواهد آمد .

نگارنده این نظامنامه را در تاریخ درج مینماید که وضع تألیفات و اندازه ترقی این زمان و مرتبه دانش اهالی دست خواننده تاریخ آید .

در شماره نهم از سال پنجاه و نهم روزنامه ایران که روزنامه دولتی است که مورخه پنجشنبه ۱۹ جمادی الاولی سنه ۱۳۲۴ هجری موافق ۲۱ ژوئیه ماه فرانسه این نظامنامه مندرج است و صورت آن از اینقرار است :

قانون عدلیه

بتاریخ ربیع الثانی یونتئیل ۱۳۲۴ بمدد تأییدات حضرت قادر متعال ترتیب و اساس دیوان عدالت عظمی که مظهر عدل و نصف ملوکانه است مطابق فصول و فقرات ذیل تشکیل و مرتب میشود :

فصل اول - تکالیف و حدود وزارت عدلیه

فقره اول - معلق دعاوی و تظلماتی که در ممالک محروسه ایران طرح میشود اعم از اینکه متداعین رعیت خارجه یا داخله یا از طبقه نظام یا از صنف تجار باشند رسیدگی و حکم قضیه بالانحصار راجع بوزارت عدلیه عظمی است .

فقره دوم - در موقع محاکمات نظامی و خارجه و تجارتنی حضور امضاء وزارتخانه های چلیبده حاکم و خارجه و تجارت در وزارت عدلیه شرط است .

فقره سیم - دایره وزارت عدلیه در حکم محضر مبارک شخص شخص همایونی ساهانشاهی است اعم از شاهزادگان عظام و وزراء فخام و ارباب مناصب لشکری و کشوری و سایر طبقات مردم مختلفا هر کس را وزارت عدلیه احضار کند باید خود او یا وکیل ثابت او کاه او در وزارت عدلیه بدون تأمل و تجافی در موقع مقرر حاضر شود .

فقره چهارم - وزارت عدلیه در احضار اشخاص مدت معینی را مهلت قرار خواهد داد که بتوانند در زمان مهلت خود را برای حضور در وزارت عدلیه حاضر کنند و اگر با رعایت این مهلت حاضر نشدند مطابق فصول جداگانه بتفاوت موضوع مطالب و دعاوی مورد مجازات خواهند بود .

فقره پنجم - احکام و مقررات وزارت عدلیه تالی حکم پادشاه و تغلف از آن بدون عفو و اغماض مستوجب مجازات است .

فقره ششم - مهر دولتی وزارت عدلیه در حکم امضاء شخص همایون و احکام این وزارتخانه مستغنی از امضاء شخص اول دولت است .

فقره هفتم - وزارت عدلیه برای هر یک از ولایات و ممالک محروسه امضاء عدلیه مأمور خواهد کرد و حدود و تکالیف آنها مطابق مندرجات فصول ترتیب اداره وزارت عدلیه معلوم خواهد شد .

فقره هشتم - رؤساء عدلیه ولایات و اجزاء وزارت عدلیه بتصویب شخص وزیر عدلیه معین و در

بیشگاه دولت معرفی میشوند و وزیر عدلیه حق عزل و انفصال آنها را نخواهد داشت مگر بعد از ثبوت تقصیر و یا اجازه و امضای همایونی .

فقرة نهم - وزارت عدلیه ماهی یکبار راپورت کارهای تمام شده را بتوسط جناب اشرف اتابک اعظم تقدیم حضور همایونی خواهد کرد .

فقرة دهم - در مطلق دعاوی قدیمه که مدت آن زاید بر بیست و پنجسال است وزارت عدلیه برای مدعی جز تکلیف قسم بر مدعی علیه حتی نخواهد شناخت و این نوع دعاوی در صورتی محکوم باین حکم است که در مدت مزبور مدعی بهیچوجه طرح و عنوان دعوی خود را نکرده باشد .

فقرة یازدهم - وزارت عدلیه باید با کمال بیغرضی و بیطرفی بقانون شرع مطاع بعرایض متظلمین رسیدگی کند و یقین بداند که چنانچه طرف شکایت احدی واقع شود در مجلس شورای دولتی در تحت استنطاق داخل و چنانچه اندک تجافی در حدود مقرر او نابت شود مورد مؤاخذه و مسئولیت سخت خواهد بود و همچنین اگر خلاف عرض عارض و بیگناهی وزیر عدلیه معلوم و محقق خواهد شد سیاست مغتری مطابق فصول مجازات جداً باجراه خواهد رسید .

فقرة دوازدهم - وزارت عدلیه هر يك از کسبه و اصناف شهری را در موقع لزوم با اطلاع حکومت دارالخلافه بدائرة عدلیه احضار خواهد کرد .

فقرة سیزدهم - در هر نوع مطلب و دعوی که در وزارت عدلیه طرح میشود بعد از ثبوت حقیقت احد الطرفین و حکم بحقایق او باید مستندات طرف دیگر را که فساد آن معلوم شده و از صورت سندیت خارج و در کابینه وزارت عدلیه ضبط نمایند که مجدداً وسیله عنوان مطلب و تجدید دعوی او در دست مدعی نباشد .

فقرة چهاردهم - مطالبی که در دائرة حکومت دارالخلافه سابقاً طرح و ختم شده است چنانچه مجدداً بوزارت عدلیه رجوع شود یا رجوع بتحقیقات و قرارداد حکومت دارالخلافه در مجلس استیناف وزارت عدلیه تجدید رسیدگی خواهد شد .

فصل دوم - ترتیب اداره وزارت عدلیه

شعبه اول - ترتیب اداره عدلیه مرکزیه :

فقرة اول - دائرة وزارت عدلیه در یکی از بیوتات دواتی تشکیل خواهد شد .

فقرة (۲) - دائرة وزارت عدلیه بشرح ذیل دارای مجالس و دوائر مخصوصه خواهد بود :

(۱) مجلس وزیر عدلیه (۲) کابینه وزارت عدلیه (۳) مجلس محاکمات داخه (۴) مجلس تفتیش و استنطاق (۵) مجلس استیناف (۶) دائرة اخذ حقوق (۷) فراشخانه وزارت عدلیه (۸) دائرة مأمور اجراء (۹) مجلس محاکمات خارجه مجلس وزیر عدلیه .

فقرة (۱) اجزاء مجلس (اول) وزیر عدلیه (دوم) معاون وزیر عدلیه (سوم) منشی باشی وزارت عدلیه (چهارم) یکنفر معاون منشی باشی .

فقرة (۲) - کلیه دعاوی و تظلمات بدوا در طی يك ورقه مهور در حضور شخص وزیر عدلیه

طرح میشود و وزیر عدلیه بمناسبت مطلب بتوسط اداره کابینه وزارت عدلیه بمجالس مقتضیه رجوع خواهد کرد یعنی فقط در ظهر ورقه اسم آن مجلس را یادداشت و با اداره کابینه خواهد فرستاد .
 فقره (۳) - عرایض و اوراقی که از این مجلس بکابینه وزارت عدلیه فرستاده میشود منشی باشی وزارت عدلیه اسم عارض و موضع دعوی را در کتابچه مخصوص یادداشت خواهد کرد که در آخر هر روز معلوم شود چند فقره مطلب بوزارت عدلیه اظهار شده و موضع تظلمات چه بوده و بتوسط اداره کابینه بکدام يك از ادارات وزارت عدلیه رجوع شده است .

کابینه وزارت عدلیه :

فقره (۱) - اجزاء مجلس (اول) رئیس کابینه (دوم) یکنفر معاون رئیس (سوم) یکنفر ضابط ثبت اسناد (چهارم) يك نفر محاسب (پنجم) یکنفر محرر .
 فقره (۲) - اداره کابینه بشرح ذیل دارای دفاتر مخصوصه خواهد بود :
 (۱) دفتر منگنه و یادداشت (۲) دفتر ثبت و ضبط اسناد (۳) دفتر تعیین حقوق دفتر منگنه و یادداشت .

فقره اول - اوراقی که از مجلس وزیر عدلیه بکابینه فرستاده میشود اول باین دفتر خواهد رسید .
 فقره دوم - این دفتر با اسم هر يك از ادارات کتابچه های مخصوص که نمره و اسم روز و سال در آن طبع شده است مرتب خواهد کرد .

فقره سوم - از روی ورقه اسم صاحب مطلب و موضع تظلم در این کتابچه یادداشت و پشت ورقه منگنه میشود بعد ورقه و کتابچه را اداره کابینه برای رئیس آن اداره که مطلب بآنجا راجع است میفرستند ورقه را بر رئیس آن اداره تسلیم و در ذیل یادداشت مطلب بمهر مخصوص آن مجلس رسید میگیرند و همچنین کتابچه هاییکه برای رسید نوشتجات طبع و مرتب میشود با پاکتهای صادره از وزارت عدلیه اداره فراشخانه وزارت عدلیه میبرد یا کتها را فراش باشی تحویل و بعد از تبلیغ نوشتجات رسید یا کتها را در همان کتابچه بمهر صاحبان پاکتها گرفته کتابچه ها را آخر هر روز با اداره کابینه رد میکند .

فقره چهارم - این دفتر هفته دو مرتبه از روی یادداشتهای اوراقی که با ادارات وزارت عدلیه فرستاده است نتیجه اقدامات آن اداره را از رئیس اداره استعلام میکند و پس از یکمرتبه اظهار اگر بلا اقدام مانده باشد بشخص وزیر عدلیه رجوع خواهد کرد .

دفتر ثبت و ضبط اسناد :

فقره اول - این دفتر مطابق شرح ذیل بدفاتر مخصوصه منقسم میشود :

(۱) دفتر دعاوی نقدیه (۲) دفتر دعاوی ملکیه (۳) دفتر جنایات (۴) دفتر مواریث .

هر يك از این دفاتر دارای دو شعبه خواهد بود (شعبه خارجه) (شعبه داخله) .

شعبه داخله بر دو قسم است ؛ (داخله عامه) (داخله خاصه) .

و داخله خاصه نیز بر دو قسم است ؛ (داخله خاصه نظامی) (داخله خاصه تجارتي) . و از این قرار

مجموع شعب و اقسام هر يك از این دفاتر بر چهار دفتر توزیع میشود پس در دفتر ثبت و ضبط اسناد بشرح فوق

شائزده دفتر مخصوص ترتیب خواهد شد و فهرست مجموع دفاتر از این قرار است :

(۱) دفتر دعاوی تقدیه خارجه (۲) دفتر دعاوی ملکیه خارجه (۳) دفتر جنایات خارجه (۴) دفتر موازیت خارجه (۵) دفتر جنایات داخله عامه (۶) دفتر دعاوی ملکیه داخله عامه (۷) دفتر دعاوی تقدیه داخله عامه (۸) دفتر موازیت داخله عامه (۹) دفتر دعاوی تقدیه خاصه نظامی (۱۰) دفتر دعاوی ملکیه خاصه نظامی (۱۱) دفتر جنایات خاصه نظامی (۱۲) دفتر موازیت خاصه نظامی (۱۳) دفتر دعاوی تقدیه خاصه تجارتي (۱۴) دفتر دعاوی ملکیه تجارتي (۱۵) دفتر جنایات خاصه تجارتي (۱۶) دفتر موازیت خاصه تجارتي .

فقرة (۲) - از آغاز شروع برسدگی هر مطلب تا انجام نوشتجات و اوراقی که در آن قضیه بوزارت عدلیه میرسد و تحقیقاتیکه میشود و ثبت نوشتجاتی که در آن موضوع صادر شده با ثبت حکم قطعی که در انجام امر میدهند تمام بترتیب نمره در یک محفظه مخصوص ضبط خواهد شد .

فقرة (۳) - اسناد باطله که بعد از کشف فساد امر ضبط میشود در این دفتر محفوظ خواهد بود .

دفتر تعیین حقوق :

فقرة اول - احکام صادره از وزارت عدلیه در این دفتر ملاحظه و حقوق ده يك معمول آنرا محاسب این دفتر معلوم کرده حکم را با ورقة مخصوصی که در آنجا مبلغ و میزان حقوق ذکر شده است بداره اخذ حقوق میفرستد و بعد از آنکه اداره اخذ حقوق حکم را بصاحبش رساند پس از اجراء مدلول حکم حقوق ده يك را دریافت و آن ورقة را مهوراً بداره کابینه رد میکند و در دفتر تعیین حقوق ضبط مینمایند .

فقرة دوم - این دفتر هر هفته صورت عایدات وزارت عدلیه را از اداره اخذ حقوق مطالبه کرده در کتابچه مخصوص ثبت خواهد کرد .

مجلس محاکمات داخله :

فقرة (۱) - اجزاء مجلس (اول) رئیس محاکمات (دوم) دو نفر معاون رئیس (سوم) یک نفر محرر (چهارم) دو نفر معاون تحریر (پنجم) دو نفر ثبات .

فقرة (۲) مطلق دعاوی و تظلمات داخله اعم از اینکه متداعین از طبقه نظام یا از صنف تجار و غیره باشند از وزارت عدلیه بتوسط اداره کابینه باین مجلس رجوع میشود .

فقرة سوم - این مجلس با حضور متداعین یا وکلای آنها با کمال دقت با اسناد طرفین رسیدگی کرده رأی و استنباط خود را مینویسد و اگر محتاج بمرافعه شرعی باشد از این مجلس بمراقبت یک نفر امور وزارت عدلیه بتراضی طرفین رجوع بمحضر شرع مطاع خواهد شد .

فقرة چهارم - عموم مردم از هر طبقه شرعاً و عرفاً در محضر محاکمات حق مساوات دارند .

فقرة پنجم - رئیس مجلس باید محیط بمسائل شرعی و عرفیه و از شوائب فرض مبرا و دارای کمال دیانت و امانت باشد و همچنین دقت نظر و قوه فهم اسناد شرعیه برای سایر اعضاء این مجلس شرطست .

فقرة ششم - اوراق و نوشتجاتیکه در این مجلس محل حاجت فوری نیست بداره کابینه میفرستند و باز در موقع حاجت استعاده میکنند .

فقرة هفتم - نوشتجاتیکه از این مجلس برای تحقیق مطالب لازمه یا برای احضار اشخاص صادر میشود بالتمام بآدره کابینه فرستاده میشود و از آنجا بعد از ثبت و یادداشت بآدره فراشخانه وزارت عدلیه خواهد فرستاد .

فقرة هشتم - احضارنامه‌های این مجلس تمام از طرف وزیر عدلیه و بمهر وزارت عدلیه فرستاده خواهد شد .

فقرة نهم - احکامی که بعد از رسیدگی و تحقیق از این مجلس صادر و بمهر وزارت عدلیه میرسد ثبات محاکمات اصل و سواد حکم را بآدره کابینه میبرد و بعد از مقابله و تطبیق سواد را در دفتر کابینه ضبط و اصل حکم را بآدره کابینه بتوسط آدره اخذحقوق بصاحب مطلب میرساند .

مجلس تفتیش و استنطاق :

فقرة (۱) - اجزاء مجلس (اول) یکنفر رئیس (دوم) دو نفر معاون (سوم) یک نفر محرر (چهارم) یکنفر معاون تحریر .

فقرة دوم - مطلق مطالب التباسی و اسناد مخدوشه و اشخاصی که متهم بجرم و جنایتی هستند باین مجلس رجوع خواهد شد .

فقرة سوم - رئیس و رؤس در این مجلس علاوه بر شرایط صدق و تقوی باید تا یکدرجه صاحب علم و عمل و از اشخاص زرنگ و زکی "الحس" انتخاب شوند .

فقرة چهارم - در رجوعاتیکه باین مجلس میشود بعد از رسیدگی و استنطاق رایورت قضیه را مطابق فرائن و امارات معلومه بمجلس وزیر عدلیه میفرستند و آنچه راجع بآسناد مخدوشه است بموجب حکم وزیر عدلیه سند مزبور از صورت سندیت خارج و با رایورت قضیه بآدره کابینه ارجاع و در آنجا ضبط میشود و آنچه راجع بسایر مطالب التباسی و جنایات است حکم تنبیه مرتکب را وزیر عدلیه مطابق فصول مجازات تعیین و امضاء نموده بتوسط آدره کابینه بآدره مأمور اجرا احکام خواهد فرستاد و رایورتیکه در این قضیه داده شده است بآدره کابینه ضبط خواهند کرد .

مجلس استیناف :

فقرة اول - اجزاء مجلس (اول) رئیس (دوم) دو نفر معاون (سوم) یکنفر محرر .

فقرة دوم - در هر قضیه بعد از رسیدگی و محاکمه چنانچه احدی از عارضین حکم مجلس محاکمات را منسوب بقرض و اشتباه کند و با براهین قطعه بیهوت حق خود و بطلان تحقیقات را بتواند مدلل نماید حق دارد رسیدگی بدعوی خود را استیناف از وزیر عدلیه بخواهد و این رسیدگی مجدداً از مجلس وزیر عدلیه باین مجلس رجوع خواهد شد .

فقرة سیم - مطابق فقرة سیم مجلس تفتیش و استنطاق اجزاء این مجلس نیز باید دارای همان شرایط و معلومات باشند .

فقرة چهارم - این مجلس بدو آ معلومات و تحقیقات سایر دوائر را دره وضع دعوی از رؤساء آن دوائر استفاده نموده و با کمال غور و دقت در مطالب راجعه رسیدگی و معلومات خود را کتباً بمجلس وزیر

عدلیه رایورت میدهد و چنانچه بعد از این رسیدگی مجدد سهواً اشتباهی که در حکم سابق محتمل بوده است معلوم و مسجل شود حکم سابق را وزیر عدلیه بتوسط مأمور اجراء احکام استرداد و باطله کرده ناسخ آن را در مجلس محاکمات مجدداً تحریر و بامضاء وزارت عدلیه رسانیده اصل و سواد این حکم و باطله حکم سابق را بداره کابینه میفرستند سواد این حکم و باطله را در دفتر کابینه ضبط و سواد حکم سابق از دفتر کابینه استخراج میشود و این حکم مجدد را بترتیب معمول اداره کابینه بتوسط اداره اخذ حقوق بعارض تسلیم مینماید .

فقرة پنجم - بعد از رجوع بمجلس استیناف چنانچه باز مجال سخنی برای مدعی باشد و بتحقیقات این مجلس متقاعد نشود میتواند عرضیه بمجلس دارالشوری دولتی عرض و دلائل شکایت خود را در آنجا ذکر کند در این صورت مجلس دارالشوری با کمال دقت رسیدگی و صحت و بطلان حکم وزارت عدلیه را معلوم خواهد کرد .

فقرة ششم - بعد از رسیدگی مجلس استیناف با رسیدگی مجلس دارالشوری سهواً و غفلت اجزاء محاکمات یا خلاف عرض مدعی هر کدام ثابت شود برای هر یک مطابق فصول مجازات مؤاخذة و جزای معلومی مقرر خواهد بود .

دائرة اخذ حقوق :

فقرة اول - اجزاء مجلس (اول) رئیس اداره (دوم) یکنفر محاسب (سوم) یکنفر تحویلدار .
فقرة دوم - کلیه احکام قطعیه وزارت عدلیه راجع بدعاوی و مطالبی که فیصل یافته است بتوسط اداره کابینه باین اداره خواهد رسید .

فقرة سوم - این اداره مطابق فقرة اول از تکالیف دفتر تعیین حقوق حکم وزارت عدلیه را بعد از اخذ حقوق ده يك بعارضین ابلاغ و کلیه عایدات در نزد تحویلدار جمع خواهد شد .
فقرة چهارم - این اداره هر ماه کتابچه وجوه عایدت وزارت عدلیه را تحریر و بمجلس وزیر عدلیه خواهد فرستاد .

فقرة پنجم - وزیر عدلیه کتابچه عایدات را بتوسط جناب اشرف اتابک اعظم به عرض حضور همایونی میرساند و حقوق رئیس و مرؤس بر حسب امر همایونی به صندوق وزارت عدلیه حواله خواهد شد .
فقرة ششم - هر سال کتابچه جمع و خرج وزارت عدلیه در این اداره تحریر و بعد از عرض حضور همایون بوزارت مالیه تسلیم میشود .

دائرة فراشخانه وزارت عدلیه :

فقرة اول - يك نفر نائب فراشخانه و بیست نفر فرایش از فراشخانه مبارکه همایونی مأمور خدمات وزارت عدلیه خواهند بود .

فقرة دوم - فراشباشی وزارت عدلیه مسئول است که در موقع احضار اشخاص نسبت باحدی سوء ادب و ترك احترام نشود .

فقرة سوم - نوشتجاتیکه از اداره کابینه وزارت عدلیه باین اداره رجوع میشود فراشباشی همرا

در لفظ کتابچه‌های مخصوص تحویل و بفرایشها قسمت میکند و بعد از تبلیغ نوشتجات کتابچه را که صاحبان یا کت رسیده داده‌اند به اداره کابینه مسترد خواهد داشت .

فقرة چهارم - هر يك از فرایشها که از اشخاص مدعی علیهم قبول عدور شوت کند و در حاضر کردن آنها تأخیر و تقاعد نماید بمجلس انبار فرایشخانه مبارکه همایونی خواهد رفت .

دائرة مأمور احکام اجراء

فقرة (۱) - رئیس اجراء احکام (اول) یکنفر معاون (دوم) يك نفر محرر .

فقرة (۲) - رئیس این اداره یکنفر از رجال کافی بیغرض و نافذ القول دولت خواهد بود .

فقرة سوم - پس از صدور احکام قطعی در صورتیکه موضوع آن محاکمه راجع به حکومت دارالخلاقه یا وزارتخانه‌های جلیله جنگ و خارجه و تجارت و غیره باشد اجراء احکام را جداً از رئیس ادارات مزبوره مطالبه نموده تا آخرین نقطه مراقبت تا مه در اتمام عمل خواهد داشت و در هر موضوع اقدامات خود را بمجلس وزیر عدلیه راپورت میکند و این راپورت در کابینه وزارت عدلیه ضبط خواهد شد .

شعبة دوم - ترتیب عدالتخانه های ولایات .

فقرة اول - برای دوایر عدلیه ولایات مأمورین امین با دیانت که محیط بمسائل شرعیه و عرفیه و مصون از شوائب اغراض و متجلی بصفات حسنه باشد بتصویب وزیر عدلیه فرستاده میشود که اهالی هر محلی بدون احتیاج رجوع بمرکز بدیوان مظالم آن محل رجوع کند .

فقرة دوم - احکام و تصدیقات این مأمورین نازل منزله حکم وزارت عدلیه است .

فقرة سیم - در هر ولایت فقط يك نفر مأمور عدلیه از مرکز فرستاده میشود و سایر اجزاء بقدر احتیاج از محترمین و اعیان محل بشرف عضویت نائل میشوند .

فقرة چهارم - در هر مملکت از ممالک محروسه یکنفر رئیس عدلیه و یکنفر معاون رئیس فرستاده خواهد شد .

فقرة پنجم - معاون رئیس را رئیس عدلیه با تصویب وزارت عدلیه معین خواهد کرد .

فقرة ششم - رئیس عدلیه میتواند معاون مخصوص خود را از اهالی آن مملکت تعیین کند .

فقرة هفتم - در هر مملکت از وجوه اعیان و محترمین آنجا معدودی در دائرة عدلیه سمت معاونت و عضویت خواهند داشت و اسامی آنها در دفتر عدلیه محلیه ثبت میشود .

فقرة هشتم - این اشخاص بتصویب وزیر عدلیه و تصدیق حاکم محل و بر حسب اجازه و امضای همایونی بشرف عضویت نایل میشوند .

فقرة نهم - این مأمورین هر هفته راپورت مسائل راجعه بمحل مأموریت خود را بوزارت عدلیه میفرستند .

فقرة دهم - بهر يك از مأمورین عدالتخانه ها يك نسخه از نظامنامه وزارت عدلیه داده میشود .

فقرة یازدهم - احکام صادره از دیوانخانه های ولایات بدست حکام اجراء میشود و حکومت هر

محل در اجراء احکام و تقویت دیوانخانه مسئولیت تامه خواهد داشت .

فقره دوازدهم - چنانچه اجراء امر مهمی در هر يك از ولایات متعسر اقتاد مأمور عدلیه آن محل متداعین را بر حسب حکم و احضار وزیر عدلیه بعدالتخانه مرگزیه میفرستد و در اینجا با مراجعه بتحقیقات محلیه رسیدگی و احقاق حق خواهد شد .

فقره سیزدهم - بر ارض اهالی هر محل آنچه راجع بعدلیه است وقتی جواب گفته میشود که شکایت از شخص رئیس عدلیه داشته باشند در این صورت اگر بمکاتبه و تحقیقات محلی مطلب کشف نشود عارض هر کس باشد با مأمور عدلیه بعدالتخانه مرگزیه احضار و در اینجا بگفتگوی طرفین رسیدگی میشود و تقصیر بر هر يك وارد شود مطابق فصول مجازات مورد تنبیه و سیاست خواهد بود .

فقره چهاردهم - در هر مملکت و ولایت نظامنامه عدلیه مرگزیه را از ترتیب محاکمات و استنطاق و استیناف و حفظ اسناد کاملاً رعایت خواهند کرد .

سواد دستخط همایونی

جناب اشرف اتابك اعظم - آنچه در این کتابچه نوشته شده همه صحیح و مطابق مقررات علیه ما است باید از این تاریخ ببعد وزارت عدلیه بهمین ترتیب دائر شود و از حدود و احکامیکه مقرر شده است هیچکس حتی اولاد مستثنی نخواهد بود و تمام فصول و فقرات فوق بلامتخلف باید بموقع اجراء برسد . جمادی الاولی یونتئیل ۱۳۲۴

امروز خبر رسید که بعض بلدان ایران تعطیل عمومی کرده اند این شایعه نیز متحصنین را قوتی بی اندازه داد .

مشیرالدوله

میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی پدرش مستی به آقا محمد و مسقط الراس اوقصبه نائین است (نائین بلوکی است از مملکت یزد) آباء و اجدادش از سلسله فقراء و عرفاء بوده جد پدری او حاجی عبدالکریم وجد مادری او حاج محمد حسن معروف نائینی هستند و هر دو از مشاهیر عرفا بوده اند لیکن حاج محمد حسن جد مادری او که مدفنش در نائین و دارای تکیه و بقعه و محل اجتماع فقراء و حوزة عرفاء و از جمله اخبار بلکه از اوتاد بشمار میآید مقامش بالا تر از حاج عبدالکریم جد پدری او است مشیرالدوله اگرچه نسبتاً از خانواده بزرگ و داخل در خوانین نبوده بلکه از مردمان فقیری بضاعت بوده ولی سلسله آنها همه از معاریف و درویش مسلك بوده و بعضیها عقیده کامل در حق حاج محمد حسن نائینی جد مادری او دارند و او را از بزرگان عرفاء و دارای مقام عالی میدانند چنانکه از جناب آقا میرزا اسدالله خان موفق السلطان که سالها بسمت منشی باشی گری در نزد مشیرالدوله بوده شنیدم که از قول مشیرالدوله نقل میکرد که یکشب مرحوم حاج محمد حسن جد خود را در خواب دیدم که يك کیسه بمن داد و گفت نصرالله در این کیسه هر چه هست متعلق بتو میباشد کیسه را باز کردم دیدم سه عدد مهر در آن کیسه میباشد که یکی مهر وزارت لشکر میباشد و دیگری مهر وزارت خارجه و دیگری مهر صدارت .

مشیرالدوله در بدایت عمر که از نائین جلاء وطن کرده بطهران آمده بود میگویند يك مدتی بکتابت تحصیل معاش میکرده بعد در اداره میرزا عبدالوهاب خان نصیرالدوله (آصف الدوله) نوکری پیدا کرد که تقریباً ماهی به دوسه تومان مواجب خدمت میکرد تا زمانیکه میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه میشود میرزا نصرالله خان هم آن اوقات داخل بوزارت امور خارجه میشود و پس از مدتی که در آن اداره خدمت میکند مرحوم میرزا ابراهیم خان نایب الوزاره بکار گذاری مهم خارجه آذربایجان مأمور و میرزا نصرالله هم بسمت منشی گری با میرزا ابراهیم خان بتبریز میرود و در آنجا متأهل میشود دختر حاجی میرزا تقی آجودان کار گذاری را که مادر میرزا حسن خان (مشیرالدوله حالیه) و سایر اولاد مشیرالدوله است اختیار میکند بعد از فوت میرزا ابراهیم خان نایب الوزاره اوهم بطهران مراجعت می نماید و باز در وزارت خارجه مشغول خدمت میشود و چون بسیار آدم کار کن و زحمت کش و در نوکری پشت کار فوق العاده داشته در سنه ۱۲۹۹ بنیابت دوم وزارت امور خارجه و مدیری تحریرات اداره روس منصوب و پس از مدتی بمنصب خانی و لقب مصباح الملکی ملقب و بر تبه نیابت اول وزارت خارجه نائل و در سنه ۱۳۰۸ ب لقب مشیر الملکی ملقب میشود و آن اوقات وزارت امور خارجه با مرحوم میرزا عباس خان قوام الدوله بوده و چون میرزا علی اصغر خان امین السلطان در آنوقت در پیشگاه و دربار سلطنت ناصرالدین شاه تقرب فوق العاده داشته میخواست رشته پلتیکی امور مملکت را هم در دست داشته باشد لیکن از آنجا که مرحوم میرزا عباس خان قوام الدوله وزیر امور خارجه بسیار آدم غیر و متین و صاحب نخوت و غرور فوق العاده بوده نمیخواست امین السلطان در کارهای وزارت خارجه مربوط باشد بعبارة آخری زیر بار تمکین امین السلطان نمبرفته اما امین السلطان چون قرب فوق العاده در نزد شاه داشت باین واسطه بوزارت امور خارجه نیز دخالت داشت و برای اینکه مقاصد خود را در امور پلتیکی بدست آورده باشد مشیر الملک را پیش میکشد و بواسطه او بتمام کارهای وزارت خارجه دخل و تصرف میکرد که در واقع مشیر الملک را نوکر خودش میدانست و کارهای راجع بخارجه را بمیل و اراده خودش اداره میکرد تا کم کم مشیر الملک اعتماد و وثوق فوق العاده در نزد امین السلطان پیدا کرد که علاوه بر کارهای وزارت خارجه در امور داخله مملکت هم از قبیل تعیین حکام و سایر امور بزرگ دولتی دخالت تامه داشته که در همان اوقات بانکال و اعتماد بامین السلطان و همراهی او از جهت ثروت و مکننت پیش افتاد تا اینکه در سال ۱۳۱۰ بمعاونت و مدیری کل وزارت امور خارجه و اعضاء یک وب خدمت حبه ترمه شمس مرصع نائل میشود و در سنه ۱۳۱۴ که امین السلطان صدراعظم از صدارت معزول و بقم تبعید شد و صدارت ایران بمرحوم مرزا علی خان امین الدوله رسید و وزارت حنک بشاهزاده فرمانفرما عبدالحسن میرزا مفوض گردید از آنجا که مشیر الملک آدم سلیم النفس و با حسن سلوکی بود با وجود مخالفت مرحوم امین الدوله با امین السلطان و با وجود مخالفت امین السلطان بشاهزاده فرمانفرما و بآن اعتماد و وثوق و محرمی که مشیر الملک با امین السلطان داشت با همه این کفایت که ظاهر داشته باز شاهزاده فرمانفرما مشیر الملک را بوزارت لشکر انتخاب نموده و شرط قبول وزارت جنگی خود را موکول بنفویض وزارت لشکر بمشیر الملک نمود و باین واسطه از مدیری و معاونت وزارت خارجه منفصل و بوزارت لشکر

منصوب گردید و با اینکه تا آن اوقات نوکری مشیرالملک تماماً در وزارت امور خارجه بوده و بکارهای وزارت لشکر هیچ مربوط نبوده چون در اداره کردن کار يك سبک مخصوصی داشته مدت سه سال هم کارهای وزارت لشکر را در نهایت خوبی از بيش برد و آن اوقات وزارت امور خارجه با مرحوم شيخ محسن خان مشیرالدوله بود و برای استعلاج مسافرت بفرنگ کرده بود و در پاریس داعی حق را لیک گفت نظر بسابقه اطلاعات مشیرالملک در وزارت امور خارجه و امور پلئیککی و روابط دول خارجه با داخله این شغل خطیر که وزارت خارجه باشد با لقب مشیرالدوله باو داده شد و چندین سال در نهایت خوبی

و اقتدار وزارت خارجه را اداره کرد و از يك طرف هم مرزا حسن خان (مشیرالدوله) حاله سر بزرگ، او که ساله در اروپا تحصیل کرده و در وزارت امور خارجه و در وزارت



مشیرالدوله میرزا حسن خان پیرنیا

از امخاص ایران دیده شده و سکارنده از میرزا اسدالله خان موفق السلطان که منشی باشی او بوده حکایاتی شنیده که در ضمن صفات حمیده و اوصاف پسندیده

او بیان میکرد که در کمتر کسی از بزرگان ایران دیده شده است مخصوصاً در صفت عفو و اغماض و پرده پوشی معایب مردم دوسه حکایت از مشیرالدوله نقل کرده که اگر ذکر شود خواننده حمل بر اضرار خواهد کرد بالجمله بعد از چند سال که وزیر امور خارجه بود مقدمات مشروطه در ایران پیش آمد و آن اوقات صدارت ایران با شاهزاده عین الدوله بود و چون عین الدوله با اساس مشروطیت همراهی نداشت بواسطه اقدامات مردم و انقلاب و شورش ایران برای پیشرفت مشروطیت عین الدوله از صدارت معزول و مشیرالدوله صدر اعظم ایران

مشیرالدوله اگرچه در تقریر و بیان خوب نبود بلکه در زیان‌ش کنندی ولکنت ظاهر میشد لکن کارهای او از روی عقل و کیاست بود مخصوصاً در تربیت اولاد خود اهتمام فوق‌العاده بعمل آورد یکی از پسرهای او که کوچکتر از همه و مستی پسرزا علیخان بود و بسیار خوب تحصیل کرده بود بمرض سل در اول جوانی بدرود جهان را گفت و این دو پسر که میرزا حسنخان مشیرالملک (مشیرالدوله‌حالیه) و میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک باشند با یک دختر از اوباقی مانده است که در واقع این دو پسر در حسن تربیت و تمدن ممتاز و مشارالبتان و محسود امثال و اقران هستند ولی وضع اینها با پدرشان تباین کلی دارد در



واقع از مشیرالدوله دو چیز بزرگ و دو اثر سترک باقی مانده یکی نمودن فوق‌العاده است که بیشتر بواسطه همراهی های امین‌السلطان و در زمان ریاست او تحصیل کرد و دیگر این ددو نفر اولاد است که الحق و الانصاف اسباب نیکنامی پدرشان هستند و دانشمندان که زحمات برای تحصیل مشروطیت و سلطنت ملی میکشیدند هرگز منتظر و متوقع نبودند که باین زودی باین نتیجه و این ثمر برسند بلکه مقدمات را برای ده سال بعد ترتیب میدادند مردم هم که در سفارتخانه بودند در آخر امر دولت قانونی را تقاضا نمودند در این اسنا بر حسب علم و اطلاعی که سرهای مشیرالدوله داشتند افظ (کنسی توسیون) را در فرمان و دستخط مظفرالدین شاه مندرج ساختند و پس از رسمیت و اطلاع بسفراء کار از دست درباریها خارج شد

میرزا حسین خان پیرنیا (مؤتمن‌الملک)

چنانچه بعد از این ذکر خواهد شد مجلاً علت همراهی مشیرالدوله و سرهاش بر حسب عقیده نگارنده باسیس مدرسه مبارکه سیاسی بود چه پس از افشاح مدرسه سیاسی و اقدام مشیرالدوله بر روی آن مدرسه او در مدرسه با میرزا حسین خان مشیرالملک و میرزا حسینخان مؤتمن‌الملک بود و این دو شخص عالم متمدن علاوه بر معلومات و تحصیلات ایشان فضلا و دانشمندان مملکت اطراف آن را گرفته از خارج هم عمدتاً و اعانت از آنها شد تا کار بجائی رسید که هواخواهان حریت از اطراف عالم حشم باین دو نفر عالم انداخته و نجات اهل ایران را منحصر با اقدام این دو نفر دانسته و این دو نفر هم الحق کواهی میکردند و ایوم هم که زمان تنقید این تاریخ است امیدواری نجات و برطرف شدن این هرج و مرج منوط بزحمت این دو

برادر است باری جمع شدن فضلاء و علماء در مدرسه سیاسی باعث شد که مشیرالدوله متنفر شد از استبداد و همراه شد با ملت تا بمقصود خود نائل آید اما یکی از دوستان این طور نقل کرد که در سال گذشته ۱۳۲۳ میرزا رضاخان ارفع الدوله سفیر ایران مقیم در اسلامبول که سالها بعنوان وزیر مختاری در روسیه و عثمانی مأمور بود بر حسب امر عین الدوله احضار بطهران شد و منزل را پس از ورود در خانه عین الدوله قرارداد پس ازدید و بازدید و پذیرائی کاملی که عین الدوله از ارفع الدوله نمود و از هر حیث او را ترجیح داد بر سایرین و احترامات فوق العاده که از ارفع الدوله بجا آورد بیغام داد برای مشیرالدوله وزیر امور خارجه که ارفع الدوله بر من وارد شده است و صد هزار تومان برای شغل وزارت امور خارجه میدهد که هشتاد هزار تومان تقدیم اعلیحضرت و بیست هزار تومان تقدیمی خود من است و خون من با تو دوست میباشم میتوانم از بیست هزار تومان حق خود چشم پوشم ولی اعلیحضرت از این مبلغ نیکگردد حالا یا این وجه را منقبل شوید و یا در مقام استعفاء بر آئید مشیرالدوله پس از اسماع این بیغام فوراً قلم روی کاغذ آورد هشتاد هزار تومان باسم اعلیحضرت و بیست هزار تومان باسم شاهزاده عین الدوله حواله نوشت بتجارخانه طومانیا و یاباداره دیگر بهر جهت پول را داد و ختم عمل نمود عین الدوله قریب به همین اندازه از ارفع الدوله گرفت و او را بمحل مأموریت خود روانه نمود پس از چند روز که واقعه را بدسره های خود مذکور داشت مؤمن الملک بدررا ملامت نمود و گفت خبط بسیار بزرگی کردید چه ما تا کنون تمول و ثروت خود را مخفی نموده و املاک خود را متفرق قراردادیم که دولت یا کسی دیگر مطلع بر قدر ثروت ما نباشد حالا که صدر اعظم دانست که در فاصله یک ساعت و بیست بیغام ممکن است صد هزار تومان از شما بگیرد دیگر دست از شما بر نخواهد داشت و هر ساله همین بازی است که دیدید و نسبت بدیگران هم می بینید مشیرالدوله ملتفت شد که مؤمن الملک صحیح بگوید پس از تفکر زیادی علاج را استفسار و استعلام نمود مؤمن الملک گفت هلاخی نیست جز برداشتن عین الدوله را از این مسند و بانزلی و انقلابی در وضع سلطنت بهم رسد این بود که مشیرالدوله در مقام تحصیل منت بسفارتخانه مسامحه نمود و از ملت کمال همراهی را نمود والا کسیکه از ربه فقر باین مرتبه رسیده باشد چگونه سعی و جهد میکند در زوال استقلال ریاست خود و چه طور راضی میشود در محوشغل خود این اصرار و ابرام عین الدوله در اضمحلال ملاحا اگر قوت میگرفت بمعاونت و همراهی مشیرالدوله هر آنه عین الدوله بمقصود خود نائل میگردد ولیکن مشیرالدوله علاوه بر مسامحه و محاطله و علاج نکردن امر سفارنیهارا بخوبی کاشف است از اینکه باملت همراهی داشت و در مقاصد عین الدوله همراه نبود و ای علت نامه همراهی مشیرالدوله از منت تحصیلات سر های او و تأسیس مدرسه سیاسی بود بهر جهت مشیرالدوله از اولین اشخاص مؤسسه است که سرایرده مشروطیت را بلند نمود چون در این اوان که زمان طبع و نقید این تاریخ است فندا این چند سطر را بر حالات مشیرالدوله می افزائیم مشیرالدوله در زمان صدارتش بخوبی سدوک نمود حناچه در موقع ذکر خواهد شد ظلمی نکرد کسی را معدوم و خانه را آتش نزد وطن فروشی ننمود با خارجه ساخت آ ناری در عالم نگذارد وقتی که تاج کیانی را بدست گرفت و رفت روی پنه غت که پسر محمد علی شاه گذارد تاج را و ارو نه پسر شاه ایران گذارد باینطور که حلوی تاج را که مایاست بضر فینش گذارد بطرف

عقب گردانید وقتی که شاه گفت مشیرالدوله این تاج خیلی سنگین است در جواب گفت بلی اعلیحضرتنا بسر شما خیلی سنگین است آن کردار و این گفتار دلالت میکنند بر اینکه مشیرالدوله راضی بسلطنت محمد علی نبود و اشارهٔ رسانید که سلطنت شما در زوال است پس از استقرار محمد علی بتخت سلطنت از صدارت استعفا داد ولی محمد علی شاه در مقام انتقام بر آمد و او را مسموم نمود چه مشیرالدوله غفلة و بدون مرض در گذشت از طرف مجلس هم این سوء ظن حاصل شد و جمعی از اطباء را مأمور و معین نمودند که بدن مشیرالدوله را ملاحظه نمایند و چون در موقع مفصلاً و مشروحاً این وقایع مذکور است فلذا در این مقام حواس خواننده را متفرق نمیکنم و بر میگرددیم برشته اصل تاریخ که مشیرالدوله وزیر امور خارجه در امر سفارتیها مسامحه نمود و در مجالسیکه منعقد میشد برای شوری یا ساکت و یا همراهی از ملت مینمود و در جواب اجزاء سفارتخانه بمسامحه و دفع الوقت میگذرانید .

دیگر از وقایع امروز آنکه نورالدوله مادر عضد السلطان وقایع را بحالتی بس حزن کین و اندوه با اعلیحضرت شاه عرض کرد که مناسب نیست در زمان اعلیحضرت رعیت پناه بخار چه ببرد این دیگر مسئله ملاها نیست بلکه از ظلم و ستم عین الدوله رعایا بتنگ آمدند در سفارتخانه انگلیس متجاوز از پنجاه هزار نفر متحصن شده اند شاه از شنیدن عرایض نورالدوله متأثر شده و فرمود فردا وزراء مجلس کنند و تکلیف معلوم خواهند شد اطباء حضور بتحریر عین الدوله با اجزاء اندرون و حره شاه اکیدا غدغن کرده بودند که اگر شاه مطلع بر این وقایع شود مرض شاه سنگین و شاه تلف خواهد شد زنیها و خواججهها و مقربین سده سنتیه سلطنت باور کرده بشاه عرض نمیکردند معدودی هم از هواخواهان حریت از قبیل مستعان الملک و غیره که در بین اجزاء خلوت بودند از ترس عین الدوله چیزی عرض نمیکردند بچاره شاه از امر سفارتیها بی اطلاع بود فقط نورالدوله در اینمقاء مردانه سلوک نمود و این خدمت را بعالم انسانیت کرد که شاه را از هنگامهٔ سفارتخانه مصدع نمود .

متحصنین سفارتخانه سه مطلب را امروز عنوان کرده اند .

اول آنکه عدالتخانه میخواهیم . دوم آنکه علماء و رؤساء روحانی باید مراجعت کنند چه نوشته جات و قبالة املاک و اسناد ما مسجل بسجلات آقایان علماء میباشد . سیم آنکه همه ما امنیت نداریم و امنیت تامه میخواهیم .

صنف صراف ضمناً این تقاضا را هم مینمایند که مامتجاوز از صد هزار تومان از دولت طلب داریم . دولت بدهد بعضی هم از عزل عین الدوله سخن میرانند .

روز دوشنبه غرة ماه جمادی الاخره ۱۳۲۴ هجری امروز دکان کین عموماً بسته است عددهٔ چادرهای متحصنین به پنجاه رسیده است عکاس آمده است عکس مردم را برمی دارند . امروز آقایان وارد قم شده اند مردم دیدن می آیند از کثرت جمعیت و ازدحام آقایان در صدمه میباشد عین الدوله با وزراء امروز مجلسی کردند ولی منتج نتیجه نگردید و مانند سایر مجالس بود . امروز شبنامهٔ باژلاتین طبع شده است در سفارتخانه و کویچه های طهران انداخته اند که ما سواد آنرا درج می نمایم :

شبنامه

سؤال و جواب میرزا حسین خان با میرزا احمد خان

سؤال - باز این چه نیرنگی بود که عین الدوله زد و سادات را کشت و علماء را اخراج کرد .
 جواب - نیرنگی نبود خدا مرگش بدهد خودش را رسوا کرد کفر باطنی خود را ظاهر کرد
 برای علماء خوب شد بعضی گمان میکردند که این مرد عقیده بمنهَب اسلام و سادات دارد الحمد لله کفرش
 ظاهر شد و بر همه آشکارا شد که معتقد باین منهَب نیست از آنرو که من همان روزی که شنبم که جمعی
 از سادات و اهل علم را حکم کردند در میان حرم امام رضا (ع) بضرب گلوله شهید کردند و گنبد حضرت رضا
 را گلوله باران کردند بشما عرض کردم که این مرد عقیده باین منهَب ندارد .

س - چرا شاه راضی بشود که این قدر جور و ظلمها بشود .

ج - ای برادر کی این مطالبها را میگذازد که بشاه برسد شاهی چه ، و کاری چه ، شاه را برده
 است در شمیران میان یک باغ باچند نفر جوان بی ریش انداخته است ، شب و روز مشغول کار خود
 هستند کجا از مملکت خبر دارد .

س - حال که این مطالب بشاه نمیرسد پس کار دولت بکجا خواهد رسید .

ج - آسوده باشید من بشما صریح میگویم که اگر کار بهمین قسم باشد سلطنت از این طایفه
 منقرض خواهد شد و مردم برای خودشان فکری خواهند کرد . آخر تابکی مردم تحمل این ظلمها را
 بکنند ، تا کی به بینند که دخترهای مسلمانانرا حکام بارامنه بفروشد ، و سادات را بکشند ، تا کی مردم
 نان خود را در سفره دیگران به بینند .

س - چرا سایر رجال دولت از قبیل نایب السلطنه و نیرالدوله و مشیرالدوله مطالب را بشاه عرض
 نمی کنند .

ج - اولاً اینها با عین الدوله عداوت دارند ، میخواهند درست معایب کار های عین الدوله
 واضح شود . ثانیاً میترسند که اگر مطالب را بشاه عرض کنند آنها هم مثل فخر الملک و سعید الدوله و
 مشیر السلطنه و ظهیر الدوله و سعید السلطنه و وزیر افخم اخراج بشوند .
 س - علماء خوب کاری کردند که رفتند یانه .

ج - غیر از رفتن چاره نداشتند بیچارهها یکسال بود که فریاد میزدند که در ایران قوانین قرآن
 اجرا شود کسی نشنید آخر بآن افتضاح علماء را از شهر بیرون کردند و سادات را کشتند .

س - میگویند که میخواهند عدالتخانه باز کنند و نظام الملک را رئیس کنند .

ج - عدالتخانه که بود ، و نظام الملک هم که رئیس بود ، فریاد مردم از دست ظلم همین نظام الملک
 و حکام و عدالتخانه بود .

س - میخواهند بطرح نو عدالتخانه باز کنند ، در روزنامه ایران قانون آنرا نوشته بودند .

ج - بلی روزنامه را دیدم معلوم میشود عین الدوله دیوانه شده است علماء و سادات و مسلمین فریاد میزدند که قانون اسلام و قرآن در ایران دایر شود عین الدوله قانون مذهب خود را نوشته است . میخواهد مردم را بمذهب خودش دعوت کند ، قانون مذهب خودش را در روزنامه نوشته است ، تمام آن مخالف قرآن است . من از اول تا باخر خواندم يك كلمه آن موافق مذهب اسلام نیست میخواهد مذهب خودش را ترویج کند خدا لعنتش کند .

س - این مردم و تجار و طلاب که رفتند زیر بیدق (بیرق) انگلیس نشسته اند حرفشان چیست .
ج - مطلب آنها دو فقره است ، اول آنکه عین الدوله علماء را بدون تقصیر اینقدر ظلم کرده است و سادات را کشته از عهده بر آید . دوم اگر پادشاه مسلمان است يك مجلس ملی در ایران دایر کند که قوانین اسلام در ایران بواسطه این مجلس ملی اجراء شود دیگر کسی نتواند بکسی ظلم بکند مردم مجلس ملی میخواهند که از ظلم خلاص شوند .

در این شبنامه اشاره کرده است بر روزنامه ایران که قانون عدایه را نوشته است و ماصورت آنرا در ورقه علیحده ضمیمه تاریخ می نمایم بعلامت نمره (۱) .

روز سه شنبه دویم جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - در این روز همه بازارها و کاروانسراها بسته شد مردم همگی رفتند در سفارتخانه انگلیس از طرف اجزاء سفارتخانه بخوبی پذیرائی و رفتار میشود روز گذشته ژادفر سفارت بیغام داد بوزیر خارجه مشیرالدوله که بقدر ربع ساعت باید خدمت اعلیحضرت شاهنشاه برسم و تنگرافی از لندن بخابره شده است که باید پشاه ارائه دهم جواب دادند که فردا دو ساعت بظهر بقدر ربع ساعت از برای حضور شاه حاضر شوید لذا امروز را ژادفر رفت به نیاوران اتابک را ملاقات نمود اتابک گفت شاه مریض است از برای ملاقات شاه موقع نیست ژادفر گفت من از شما وقت خواستم شما وقت معین کردید حالا میگوئید موقع نیست و شاه مریض است با اینکه روز گذشته وزیر مختار ایتالیا يك ساعت حضور شاه مشرف شده اتابک گفت جواب همان است که گفتم ژادفر گفت من بر حسب تکلیف ربع ساعت توقف می کنم آنوقت میروم باری پس از توقف ربع ساعت مراجعت نموده و مهربانیش نسبت به متحصنین زیادتر کردید امروز خیر رسید که اخبار شهر را بشاه عرض کرده اند و شاه درباره امیر بهادر کم لطف شده است و فرموده است میل ندارم شکل وزراء خود را به بینم و رفته است در اندرون زنها دور شاه را گرفته و مراتب را بشاه عرض کرده اند .

امروز خبر رسید نظام الملك را از وزارت عدایه معزول نموده اند و ریاست عدایه را دادند بشماع السلطنه و لقب جهانمداری را هم باو خواهند داد .

امروز آقایان در قم مجلس روضه در صحن برپا نموده اند و صبح و عصر مجلس روضه منعقد است يك روز آقا سید جمال منبر میرود و يك روز آقا شیخ محمد منبر میرود .

روز چهارشنبه سویم جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - امروز جمیع دکانین و سراها بسته است بر عده اشخاص سفارت افزوده گردید محتشم السلطنه از طرف دولت رفت در سفارتخانه مردم گفتند

دوسال است که عارض هستیم رؤساء و علماء را جواب با گلوله دادید حال ماجز باشخص شاه که شفاهماً عرایض خود را بشاه عرض کنیم دیگر عرضی نداریم بقیه سادات که در طهران مانده بودند در این روز بطرف قم حرکت نمودند . مسموع گردید که شاه نسبت باتایبک متغیر شده است .

جناب فخرالاسلام در سفارت درچادر توتون فروشها منبر میرود جناب حاج سید عبدالحسین واعظ اصفهانی درچادر روضهخوانها منبر میرود جناب آقاشیخ علی زرنندی درچادر طلاب ناطق است . حاج ملک المتکلمین که در واقعه هجرت آقایان در شمرانات بود بخانه اورینختند و او فرار کرد پسرش را گرفته بودند از خودش خبری نداریم ولی پسرش را رها کردند امروز یکی گفت پسرش را در شمرانات دیدم بعضی از طلاب مدرسه سپهسالار که شمرانات رفته بودند امروز آمدند بسفارتخانه از طرف ظهیرالاسلام پیغام آوردند برای طلاب مدرسه سپهسالار که از سفارت بیرون آید والا از مدرسه خارج شوید طلاب بالاجماع جواب دادند ما که در سفارتخانه آمده ایم از جان خود گذشتیم چه جای مدرسه آنچه می توانی بکن .

روز پنجشنبه چهارم جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - امروز عین الدوله جمعی از تجار معتبر را از قبیل حاج حسین آقای امین الضرب وغیره را فرستاد برای فریب دادن تجار و کسبه لذا حضرات تجار وارد شدند بسفارتخانه ابتداء مردم اعتنائی بآنها نکردند لکن پس از اصرار و ابرام قرآن آوردند و قسم خوردند که ما باشما همراه می باشیم و در مقصود شما باشما منفق و متحدیم پس از قسم خوردن متحصنین گفتند حال که با ما می باشید اگر میل دارید توقف کنید والا مختارید تجار گفتند مقصود شما بر شاه مشتبه شده است آقایان متحصنین گفتند ما عرایض خود را بتوسط زادفر سفارت حضور شاه فرستادیم امروز مقصود و عرض ما منحصر است بسه مطلب : اول مراجعت آقایان ورؤساء روحانی که اسناد و قبایجات صداقنامه های زنهای ما بخط و مهر و اعتبار آنها بوده . دویم افتتاح عدالتخانه که شاه و گدا در آن مساوی باشند . سویم آنکه قبوض و براتهای مواجبهها را که از مردم خریدیم باعتبار دولت پول ما را بدهند .

شب را جناب ذوالریاستین کرمانی امامت جماعت را نمود پس از نماز حدیث کسا را در روی صندلی برای مردم قرائت نمود .

عده اشخاصی که شب در سفارتخانه مانده اند به پنج هزار نفر رسیده است .

امروز خبر رسید که اهالی زرنند و ساوه و سایر دهات در قم حاضر شده و با آقایان همراه اند .

روز جمعه پنجم جمادی الاخری ۱۳۲۴ - امروز متجاوز از صد چادر در سفارتخانه زدماند و در زیر هر چادری اصناف و طلاب و تجار و کسبه می باشند جمیع دکانین و سراها بسته است دیگهای بزرگ و کوچک برای صبح در کار است قند مثل یخ روی کاری می آورند در چادرها قسمت میکنند خوراکی و قند و چای و تنباکو سیل است خرج همه با حاج محمد تقی و برادرش حاج محمد حسن میباشد . جمعی از اعضاء انجمن مخفی در بین مردم افتاده بآنها میگویند عزل عین الدوله را استدعا نکنید چه امروز

اگر او را عزل کنند شش ماه دیگر باز او را منصوب میکنند مجلس بخواهید که با بودن مجلس دیگر نه عین الدوله میماند و نه غیر عین الدوله اصل را محکم کنید فروع درست میشود فقط عین الدوله ظالم نیست عین الدوله نوعی را علاج کنید با افتتاح مجلس و عدالتخانه . امروز تلگرافی در بین مردم افتاد و از روی آن استنساخ میکنند . مأخذ آنرا ندانستم .

ولی سواد آنرا در کافه غیر رسمی دیده که در اینجا نقل میکنم دیگر صحت و سقم او را نمیدانم.

صورت تلگراف

از طرف اعلیحضرت پادشاه مملکت انگلستان و امپراطور ممالک وسیع هندوستان بعموم طلاب مدارس روحانی و تجار و کسبه شهر طهران - تلگراف نظلم آن برادران عزیز که چهارشنبه ۲۵ ژویه بتوسط سفیر کبیر با کفایت خود مان نموده بودید رسید قلباً از تعذبات مستبدانه وارده و مظلومیت علماء واجب التکریم روحانی و قاطبه رعیت متأسف و متألم شدم جواب عریضه شما را بمجلس شورایی رجوع نمودم و امیدوارم برادر ارجمند تاجدار اعلیحضرت مظفرالدینشاه خواهش بی غرضانه مجلس شورای ملی انگلستان را با تمتای شخصی خودم در دفع ظلم بسمع قبول اصفا فرمایند و رفع و دفع تعذبات را شخصاً از رعیت با وفای خودشان خواهند فرمود .

عصر چهارشنبه ۲۵ ژویه از قصر ییلاقی کریستان
(دوست ملت ایران ادوارد هفتم)

اگر چه مأخذ این تلگراف معلوم نیست بلکه از مضامین آن آثار کذب هویدا است ولی برای حوام باعث اطمینان گردید و از روی آن بقدر هزار نسخه استنساخ شد و مردم را هیجانی حاصل گردید و بگوش آنها لفظ مجلس شورای ملی رسید و دانستند که نجات دهند همه از ظلم و تعدی مجلس شورای ملی است .

روز شنبه ششم جمادی الاخری ۱۳۲۴ - در این روز جمیع دکانین و سراها بسته شد بلکه عطارها و دکانین گذرها را نیز بستند تمام مردم رفتند بطرف سفارتخانه عصر هم در سفارتخانه عکس مردم را برداشتند پسر واعظ قزوینی و سید شرفه را که دوست و رایرت نویس امیر بهادر بودند و آمده بودند در سفارتخانه لدی الورود از سفارتخانه بیرون کردند . همه مردم متفق و متحد مثل برادر با یکدیگر سلوک می نمایند و در نهایت معقولیت سلوک مینمایند . امروز تلگرافاتی از تبریز بخابره شده است بطهران و قم که ما صورت بعضی از آن تلگرافات را بعد از این درج خواهیم کرد ولی يك تلگراف را که اهمیت دارد در امروز درج مینمائیم که خواننده تاریخچندان در انتظار نباشد .

عریضه تلگرافی حضرات علماء اعلام

و حجج الاسلام تبریز حضور شاه

خداالله ملکه

عرض حضور مبارک یادشاه اسلام بنام خداالله سلطانہ - دستخط مبارک از جانب سنی الجوانب همایونی در جواب عریضه تلگرافی این دعاگویان زیارت شد این خادمان شریعت مطهره هیچ وقت از تقویت دولت اسلام فروگذار نبوده وجود مبارک یادشاه ظل الله را سرمشق عدالت و دینداری و شرع پرستی دانسته و میدانیم و واضح می بینیم که مفرضین درباری نمیگذارند عرایض ما و سایر خادمان شریعت مطهره چه در طهران و چه در سایر نقاط ممالک محروسه درست بعرض حضور حضرت سلطانی برسد و مقاصد حقه مشروحه ما را در البسه که منافی اغراض خودشان نباشد جلو میدهند ما خادمان شریعت مطهره و سایر اهل آذربایجان که چهل سال است بفرمایشات ملوکانه آشنا هستیم می بینیم که عرایض ما را هیچ کدام از لحاظ مبارک نگذرانیده اند و هیچ يك از عبارات دستخط حواییه از الفاظ دردبار و زایش طبع عدالت پرور ملوکانه نیست و اوضح من الشمس است که نص عبارات خائن بوده این است مختصری از اوضاع مملکت را از اول مذاکره که علمای دارالخلافه باهره با اولیای دولت روز افزون داشته اند الی یومنا هذا بعرض مبرسانیم و باقی را به تکلیف دینداری خود بندگان حضرت همایونی میگذاریم سابقاً علمای دارالخلافه طهران با رضای کافه علمای ممالک محروسه از اولیای دولت خواستار شدند که قراری در اصلاح وضع محاکمات و دفتر مالیه دولت علیه داده آید که در ظل نادرشاه اسلام عموم رعایا از بی اعتمادیهای عدیده آسوده در مهد امن و امان باشند چون هر دو این مقصود منافی با ضریقه استبداد و ظلم و زرای درباری بود ، علمای دارالخلافه را بوعده های بی اساس امیدوار کرده آنها را از مهاجرت اولیه به آستان مضر حضرت عبدالعظیم رجعت دادند و بمواعید کاذبه حندی سرگردان نگاه داشته از آنصریف خاطر خطیر سلطانی را از انجاش حوائج آن مطمئن ساختند علمای دارالخلافه هر چه منتظر شدند که مواعید اولیای دولت صورت خارجی بهمرسانند نتیجه ندیدند و کم کم از جانب اولیای دولت و وزرای درباری اقدام در نفی

و طرد جمعی از ضعیف و شریف که جز خیر خواهی ملت و دولت اسلام گناهی نداشتند، شده علمای دارالخلافت که این نقض عهد و حرکات مستبدانه را از وزرای درباری دیدند مجدداً مستعجابات خود را مجدداً خواستند و این مرتبه یقین داریم همان وزرای خائن بدون اطلاع خاطر مهر مظاهر همایونی دست پرشته تشدد و سختی گذاشته جواب علمای دارالخلافت را به تهدیدات دادند آخر الامر که آنها را معصوم در کندن اساس این ظلم و رکز علم عدل دیدند فلذا دانستند اگر این طرح بر روی کار آید دست استبداد و ظلم آنها کوتاه و خیانت‌های آنها مشهود خواهد شد محض حفظ خود و منافع خود طلاب علم و ذریه رسول را هدف گلوله سر باز کردند مسجد و معبد اسلام و خانه خدا را مثل قلاع اشراک و متمرکبین محاصره نمودند پیام مساجد سر باز و فراول گذاشتند نان و آب بروی علمای اسلام بستند گروئی یاقی و قاتل بودند از صدر اسلام الی یومنا هذا از هیچ ملت کفری نسبت به علمای اسلام این توهین وارد نشده بود این بی احترامی نه تنها بشخص علماء اسلام شده بلکه در واقع بشرع محمد صلی الله علیه و آله گردیده و ناموس شریعت هتک شده است اکنون جمیع هیئات علمای مذهب و بلکه تمام مسلمین اثنی عشریه چبر این توهین را بوجه کامل از حضور اقدس همایونی خواستگارند که امر و مقرر شود مقصد حضرات علماء مهاجرین را انجام کرده و دلجوئی از ایشان نموده و با احترام تمام بوطن مألوف معاودت دهند و خصوص دعا گوین تبریز در دولتخواهی خاص که از سابق مشهود خاطر دریا مقاطرات جسارت میکنیم که قبول این استدعا و ارجاع مهاجرین مقضی المراء عاجلا لازم است بوعده و قول اصلاح و اسکات عامه ممکن نیست مترقب است بلوای محیضی باشد که رشته از دست دعا گوین رفته و بحکم ضرورت و الجاء اقداماتی شود که باعث رو سیاهی دعا گوین گردد.

جواب این تلگراف را بعد از این درج مینمائیم.

روز یکشنبه هفتم جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - در این روز بر عهده متحصنین سفارت خانه افزوده گردیده و بازارها و سراها عموماً بسته گردیده حتی سرکنرها نیز دکا کینش بسته گردید مردم مبهوت و حیران و سرگردان می باشند احدی بعرض آنها نمی رسد کسبه حضرت عبدالعظیم نیز آمدند بسفارتخانه اهالی شمرانات و دهات اطراف هم بعداً در آمده اداره نزاقخانه نیز در خیال آمدن بسفارتخانه می باشند همه در بین آنها افتاده است. طایفه زنها هم گفتگوئی بین آنها هست که بیایند در خیابان علاءالدوله که متصل بسفارتخانه است بچادر بزنند از طرف علماء اعلام که در قم میباشند

امروز قاصدشان آمد همگی سلامت بوده‌اند میرزا ابراهیم عطار که خانه ودکانش نزدیک خانه آقای طباطبائی است حامل کاغذ و پاکت آقایان بود که بایای پیاده از پیراهه آمده است و سلامت رسید مذکور داشت سوار کشبکخانه و پانصد فزاق اطراف بلده قم را محاصره کردند که دهات اطراف اغتشاش نکنند خداوند بر فقرا و ضعفا رحم کند که کار خیلی خراب است زیرا که شاه خبر از وقایع ندارد اطراف و اجزاء دولت هم از عین‌الدوله ملاحظه می‌نمایند و نمی‌گذارند خبر صحیح بشاه برسد. در این روزها آقا سید جمال در قم موعظه میکند مردم جمع شده‌اند که حاکم مامعتمد خاقان گندم را جلو گرفته است و بقیمت گران به خباز می‌دهد آقامم در بالای منبر گفته است تقصیر از خود شماست قبول ظلم نکنید لذا مردم اجتماع نموده و بر حاکم خود شوریدند حاکم هم متوسل با آقایان شده آقایان اصلاح نموده و بنا شد گندم را بقیمت مناسب بمردم بدهند و شروع در دادن گندم به خبازها نمود و نیز متولی باشی در شب گذشته چراغهای حرم و صحن را در یکساعت از شب گذشته خاموش نمود و مانع شد از اینکه مردم در صحن بمانند و این توهینی بزرگ بود که بر آقایان وارد آمد.

امروز تلگرافی از طرف اعلی‌حضرت مظفر الدین‌شاه در جواب تلگرافات علماء آذربایجان مخابره گردید که ما صورت آنرا درج مینمائیم.

دستخط تلگرافی اعلی‌حضرت شاهنشاه مظفر الدین‌شاه

در جواب علمای تبریز خطاب به حضرت ولیعهد

ولیعهد - بجنابان مستطابان حاجی میرزا حسن آقای مجتهد و آقای امام جمعه و آقای حاج میرزا محسن آقا و آقای میرزا صادق آقای مجتهد و آقای ثقة‌الاسلام التقات ما را برسانید و از طرف ما بگوئید که مراحم ملوکانه همیشه شامل عموم طبقات مردم خاصه بعلمای اعلام و مخصوصاً بعلمای آذربایجان بوده و خواهد بود همگی دها کوی دولت و ملت و طرف توجه ملوکانه ما هستند و نسبت بهمه التقات داریم و همین است که بشفاعت و توسط شما استدعای علمای آذربایجان را در معاودت علمای طهران قبول فرموده مشیرالدوله وزیر امور خارجه را برای معاودت دادن آنها روانه کردید بزودی علمای طهران شرفیاب میشوند و عرایض حقه آنها را هم که مبنی بر اصلاح دولت و ملت باشد قبول خواهیم فرمود.

هفتم شهر جمادی‌الثانیه ۱۳۲۴

(مظفر الدین‌شاه قاجار)

امروز خبر در طهران منتشر گردید که بعضی از بندگان ایران از قبیل آذربایجان و غیره شروع

در تعطیل نمودند.

امروز نیز تلگرافی از طرف ولیعهد مخابره شده است که صورتش این است :

تلگراف ولیعهد از تبریز حضور مهر ظهور

اعلیحضرت مظفرالدین شاه خلدالله ملکه

بتوسط حضرت والا شاهزاده اتابیک اعظم بخاکیای اقدس اعلی ارواحنا فداء ، تصدیق خاکیای اقدس همایونت شوم - در خاک پای مملکت آرای همایونی تاحال محقق ومشهود شده است که این غلامخانه زاد از اول عمر از وظیفه جان نثاری و استرضای خاطر آفتاب مظاهر تقاعد و غفلت نداشته و اگر تصور آنرا میکرد که عرایض علمای اعلام خدای نخواستہ متضمن خلاف مصلحت ومضر بحال دولت است ابتدا اسمی از آنها در خاکیای معدلت پیرا نمیکرد در این حادثه بقدر امکان نگذاشته است که علمای آذربایجان از طرف قرین الشرف همایونی مایوسی حاصل بکنند امروز هم که به تلگرافخانه حاضر شده محض آنست که شخصاً از علمای مهاجر دارالخلافه شفاعت نماید در کمال عجز وضراعت بعرض جسارت مینمایم که فاطمه رعایای ایران ودایع الهی وبمنزله اولاد اعلیحضرت اقدس ظل الهی هستند حفظ شئون اهل اسلام و علمای اسلام هم از فرایض زمه سلطنت است معیناً هر گاه در این موقع از طرف قرین الشرف همایونی از ماضی صرف نظر شود و در مقام تسلیه و ترضیه و اعاده محترمانه آنها بر آیند مزید شکوه دولت وقوت اسلام و افتخار این غلام خانه زاد در بین الدول خواهد شد رعیت که بمنزله اولاد سلطان است بواسطه خبط وخطائی مستحق قهر و سیاست شدن با رحمت و نصفت کامله سزاوار نیست امیدوارم این شفاعت صادقانه چاکر جان نثار بعز انجاح مقرون افتد .

(غلام خانه زاد محمدعلی) هفتم شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۴

جواب تلگراف ولیعهد از طرف اعلیحضرت

شاهنشاه مظفرالدین شاه قاجار

از صاحبقرانیه به تبریز - دستخط مبارک .

ولیعهد - عریضه تلگرافی شما بتوسط جناب اشراف اتابیک اعظم بعرض رسیدم مقام مرحمت خودمانرا نسبت بعموم علماء اعلام وتوجهات کامله که بیشتر در ترویج شرع محمدی صلی الله علیه وآله و آسایش ودعا گوئی علماء

داشته و داریم محتاج بفرمایش نمیدانیم معلوم است علمای عظام همه دعا گوی دولت و وجودشان برای دولت و ملت مطلوب و در واقع لشکر دعا هستند همه وقت لازم التکریم و توقیر آنها و حفظ حدود آنها را بر خودمان لازم دانسته ایم چند روز پیش که علمای عظام آذربایجان در ضمن عریضه تلگرافی شرحی راجع بعلماء عرض کرده بودند نیت مقدسه خودمانرا به آنها خاطر نشان کرده ایم و آنها هم باید خوب دانسته باشند که حسن ظن ما و التفات ما نسبت بعلماء تا چه درجه است حالا هم در مقابل شفاعت شما و استدعای علماء تبریز مقرر فرمودیم مشیرالدوله وزیر امور خارجه بقم برود و علمای عظام را محترماً معاودت بدهد البته شما هم این مرحمت شاهانه را به آنها ابلاغ و آنها را بمراحم کامله ملوکانه امیدوار خواهید داشت باید همگی با کمال امیدواری مراجعت و مراحم شاهانه را نسبت بخود و علمای آذربایجان بدانند که نیت مقدسه ما همیشه بترویج شرع مطاع و آسایش علمای عظام مصروف و معطوف بوده و هیچ وقت مراحم خودمان را درباره آنها دریغ نخواهیم فرمود .

هفتم جمادی الثانیه منه ۱۳۲۴

(مظفرالدین شاه)

امروز جمعی از تجار بانواب و میرزا یحیی خان منشی باشی سفارتخانه نشسته بهضم مذاکرات محرمانه می نمایند .

روز دوشنبه هشتم جمادی الاخری ۱۳۲۴ - امروز تمام بازارها بسته است شهرت گرفته است زنها خیال اجماع و بلوائی دارند برای اینکه شوهران آنها مدتی است در سفارتخانه مانده اند و نیز شهرت گرفته است طایفه قاجاریه خیال دارند بسفارتخانه آیند تجار امروز بولی قسمت کردند که اساتید هر صنفی قسمت کنند روی شاگرد هائیکه عیال دارند که زنها و اطفال آنها بی مخارج نمایند و از گرسنگی تلف نشوند و این مساوات و مواسات باعث اطمینان و امیدواری مردم گردید .

یک نفر زن ناشناس آمد درب سفارتخانه و حاجی محمد تقی را طلب نمود و یک دسته اسکناس داد باو و گفت این پول را خرج متحصنین کن حاج محمد تقی پول را گرفت و آنچه کرد آن زن را بشناسد و بداند کی است و از کجاست آن زن خود را معرفی ننمود و قبضی هم نگرفت . طرف عصر شهرت گرفت که عین الدوله از صدارت معزول گردید .

از قم هم خبر رسید که جمعیت آقایان زیاد شده اند از کرمانشاه پسران جمعه کرمانشاه از طرف اهالی کرمانشاه آمد بقم برای یاری آقایان از اصفهان هم جناب آقا شیخ حسن شیخ العرافین که از متولین اصفهان است از طرف علماء و اهالی اصفهان وارد قم شد و اظهار نمود همه اهل اصفهان عازمند بر حرکت و مرا فرستاده اند که کسب تکلیف نمایم و آنچه که بفرمائید اصاحت خبر هد شد .

(پسر امام جمعه کرمانشاه و شیخ العراقین با آقایان تا طهران آمدند و متجاوز از یکماه در طهران بودند از طرف دولت و ملت نهایت احترام از آنها شد پس از مدتی سالمآ قانمآ بوطن خود هریک مراجعت نمودند) .

از تبریز تلگراف مجابره شد که مردم تبریز اجماع کرده‌اند بعضی بسفارت انگلیس پناه برده و درقونسلخانه انگلیس متحصن شده‌اند و بعضی مجلس ختم وقایحه برای سادات واشخاصیکه درطهران کشته شده‌اند . ازخمسه وزنجان ورشت هم خبررسید که مردم بلوا کرده‌اند برای اینکه علمای طهران را نفی ازبلد کرده‌اند .

امروز صبح مدیر توپخانه سیف‌الدین میرزا که رفته بود قم و مأمور بود اگر آقایان از قم حرکت نمایند آنها را گرفته و متفرق و هریک را بطرفی فرستد با رئیس تلگرافخانه قم که اسمش و لقبش لسان‌الممالک است خدمت آقایان رسیده تلگراف عزز اتاییک را خدمت آقایان ارائه داد از امروز تلگرافات از اطراف با آقایان میرسد زیرا که تا با امروز اتاییک حکم کرده بود تلگرافاتی که مجابره میشود نرسانند .

روز سه‌شنبه نهم جمادی الاخری ۱۳۲۴ - دراین روز اخبار موحشه ازبلدان وشهرها رسید . بنده نگارنده یک‌شب نزد نایب‌السلطنه بودم و اظهار خدمت خود را می‌نمود فرمود درعزل عین‌الدوله اگر من سعی نکرده بودم اعلیحضرت او را عزل نمی‌فرمود ازاصرار من عین‌الدوله استعفاء نمود باری نایب‌السلطنه برحسب مرسوم استعفاء نامه عین‌الدوله را برد خدمت اعلیحضرت شاه وشاه استعفاء عین‌الدوله را قبول فرموده عین‌الدوله پای‌شاه را بوسیده وبطرف ده خود مبارک آباد حرکت نمود . نایب‌السلطنه برحسب حکم اعلیحضرت مظفرالدین شاه وزراء را احضار کرد مشیرالدوله که وزیر امور خارجه بود رئیس‌الوزراء گردید ضد‌الملک باحاج نظام‌الدوله مأمور شدند که روانه قم شوند برای معاودت دادن آقایان لکن بازارها هنوز بسته است مردم همگی در سفارتخانه جمع می‌باشند میگویند تا عدالت‌خانه مفتوح ومنعقد نگردد ما از اینجا حرکت نمی‌کنیم .

روز چهارشنبه دهم جمادی الاخری سال ۱۳۲۴ هجری - دراین روز بازارها بسته وتمتعیل عمومی است شاگردان مدارس نیز در سفارتخانه جادر زدند . ازهر صنفی بلا استثناء حتی دستخانه وتلگرافخانه نماینده در سفارتخانه جادر زدند .

امروز شخصی سوار قاطر بود وارد سفارتخانه شد و گفت مردم مژده دهید که عین‌الدوله معزول گردید نزدیک بود مردم از خوشحالی متفرق شوند که عقلا واجزاء سفارتخانه او را دور کردند واز سفارتخانه بیرون کردند و گفتند مقصود ما عزل عین‌الدوله نبود خواه عین‌الدوله معزول باشد خواه منصوب چه ربطی بمادارد که عزل شده‌است . باری منصب صدارت را دادند بمشیرالدوله واین مشیرالدوله از اهالی ناین است که بین یزد و قم واقع است ودرسی سال قبل منشی نظام‌السلطنه بود ومواجب‌اودر ماه سه تومان بود واین صدراعظم اگرچه شخص باعلمی نیست لکن او را دوسر است که عالم وتریت